Archive of SID

ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی[1]
سال سیزدهم –شماره پنجم- مرداد ۱۳۹۹-شماره پیاپی ۵۱

بررسی سبکی و محتوایی نسخهٔ خطی «مطلع الانوار» اثر جوزای نطنزی، شاعر قرن سیزدهم

(ص ۶۸-۴۷)

حاتم سلیمانی[2]، سید جعفر حمیدی[3](نویسنده مسئول)، سید محمود سید صادقی[4]

تاریخ دریافت مقاله: زمستان۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان۱۳۹۸

چکیده

جوزای نطنزی یکی از شاعران دوره بازگشت ادبی است که در دوران فتحعلی شاه قاجار میزیسته است. اثر وی« مطلع الانوار» نام دارد که دو نسخه از این دست نوشته موجود است،نسخهٔ اول، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۶۳نگهداری میشود و به نام «دلگشا» معرفی شده است . همچنین نسخه دیگری به شماره ۲۳۱۱ در کتابخانه ملی ایران موجود است.

در مقالهٔ حاضر اشعار جوزای نطنزی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی سبکی شده است. در سطح زبانی، بخش آوایی اکثراً از اوزان متوسط و خفیف استفاده شده است و از اوزان سنگین و مهجور خبری نیست. اوزان اشعار وی همان اوزان غزلهای حافظ است. در بخش واژگانی، در سطح مفردات و ترکیبات، هیچگونه ابتکار و نوآوری دیده نمیشود و بیشتر لغات بکار رفته عربی است که از واژه‌های معمول و متداول در زبان فارسی محسوب میشوند. در بخش نحوی اشعار وی دستورمند است و ارکان جمله مطابق نثر در کنار هم قرار گرفته است. در سطح فکری، مضامین بکار رفته تکرار مضامین قدماست و عرفان بکار رفته، عرفانی تقلیدی و تکراری است و اندیشه و مضمون تازه‌ای در اشعار وی دیده نمیشود. در سطح ادبی، تشبیه و استعاره بیشترین سهم را برعهده دارند و تشبیه حسی به حسی بیشترین کاربرد را دارد. از صنایع بدیع لفظی و معنوی متداول استفاده شده و بطور کل مبنای کار وی بر تقلید استوار است و سعی دارد هم از نظر لفظ و هم شیوهٔ بیان و محتوا و مضمون به سرمشقهای خود ، نزدیک شود. وی سبک عراقی را سرمشق خود قرار داده و از میان شاعران این دوره به شعر حافظ توجه بیشتری داشته است.

کلمات کلیدی :جوزای نطنزی، مطلع الانوار ، دوره بازگشت، تحلیل سبکی و محتوایی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲ -دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی ،واحد بوشهر،دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (hatam3351@yahoo.com)

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی ،واحد بوشهر،دانشگاه آزاد اسلامی ،بوشهر،ایران. (j.hamidi@ iaubushehr.ac.ir)

۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (sadeghi.mahmood33@yahoo.com)

www.SID.ir

Archive of SID

The Style and Content of the Manuscript of the 13th Century Poet by Jawzah Natanzi

Hatam soliymani[۱], Seyed jaafar Hamidi[۲](corresponding Author),
Seyed Mahmod Seyed Sadeghi[۳]

Abstract

Jawzah Natanzi is one of the poets of the literary era who lived during Fath Ali's reign. His work is titled "Informed Al-Anwar", which has two copies of this manuscript, the first copy, kept in the Library of the Islamic Parliament No. 963 and introduced as "Delgosha". There is also another copy number 2311 available at the National Library of Iran.

This article studies the style of Natanzi's poetry at three levels: linguistic, intellectual and literary. At the linguistic level, the phonetic part is mostly used of mild to moderate weights, and there is no news about heavy weights. The weights of his poems are those of Hafiz's sonnets. In terms of vocabulary, at the level of singularities, there is no innovation, and most of the vocabulary used is Arabic, which is a common word in Persian. In the syntactic section of his poems he is instructive, and the elements of the sentence are in accordance with the prose. At the intellectual level, the themes used are old-fashioned themes, and the mysticism is imitation and repetitive, and no new thought or theme can be found in his poems. At the literary level, metaphor and metaphor play the most part and sensory-metaphor is the most used. He has used the traditional rhetorical and spiritual industries, and generally his work is based on imitation, trying to get closer to his role models both in terms of speech and in the manner of expression and content. He exemplified the Iraqi style and paid more attention to Hafiz's poetry among the poets of this period.

Keywords: Natanzia, Eleanor Informant, Return Period, Lightness and Content Analysis

1 - PhD student in Persian language and literature,, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran(hatam3351@yahoo.com)

2 - Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran (hamidi8225 @ yahoo.com)

3- Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran(. sadeghi. (mahmood33@yahoo.com)

www.SID.ir

Archive of SID

۱- بیان مسئله: یکی از راههای شناخت پیشینهٔ فرهنگ و وضعیت فکری، ادبی، زبانی و..گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آنهاست. به همین دلیل، مواریث مکتوب و به تعبیری نسخه‌های خطی، که نمودها و نمادهای درخشان فرهنگ گذشتهٔ این سرزمین و کارنامهٔ اصالت و هویت ملت ماست، دارای ارزش فراوانی میگردند.این آثار میتوانند حقایقی از زندگی فردی و اجتماعی گذشتگان، آداب و رسوم، زبان و فرهنگ و...آشکار کنند .

با همهٔ تلاشهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی و احیای گنجینه‌های مکتوب ایران و تحقیق و تتبع در مورد آنها انجام گرفته و هزاران کتاب و رسالهٔ ارزشمند ، احیاء، تصحیح و یا بازنویسی شده است؛ اما هنوز رساله‌ها و کتب خطی بسیاری در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور موجود است که یا شناخته نشده و یا تصحیح و بررسی نشده‌اند. نسخه‌های خطی شامل اطلاعات تاریخی و ادبی ارزشمندی است که میتواند برای پژوهشگران ادبی بسیار سودمند باشد. دیوان شاعران کهن که هم‌اکنون به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها موجود است، ادیبان و علاقمندان به ادب و شعر را در شناخت آثار و احوال شاعران این سرزمین یاری میدهد. یکی از این آثار نسخهٔ خطی موسوم به « مطلع الانوار» اثر جوزای نطنزی است که در این مقاله به بررسی سبکی آن در سطح فکری، زبانی و ادبی پرداخته‌ایم.

۱-۱-اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله، معرفی و بیان خصوصیات محتوایی و سبکی نسخهٔ مطلع الانوار اثر جوزای نطنزی است.

۱-۲-اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از راههای رسیدن به تکامل و پیشرفت در هر جامعه در گرو شناخت و آگاهی از پیشینهٔ فرهنگیان و ادیبان آن جامعه است و این مهم جز با تصحیح، بازخوانی و بررسی آثار گذشتگان که تجارب و اطلاعات خود را در نسخ خطی برای ما به ودیعه نهاده‌اند، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر نسخ خطی شامل اطلاعات تاریخی، ادبی و لغوی ارزشمند برای پژوهشگران ادبی است.

۱-۳-روش پژوهش:

روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه ای و براساس شیوهٔ توصیفی تحلیلی خواهد بود.

۱-۴-پیشینه تحقیق :

تاکنون درمورد جوزای نطنزی و اثر وی، مطلع الانوار، هیچ تحقیق و پژوهشی به صورت مستقل، صورت نگرفته است، اما تالیفها و پژوهشهای مرتبط با مقاله حاضر را که میتوان به عنوان پیشینه این پژوهش ذکر کرد به شرح ذیل است: ۱. کتاب«نامه کاشان»

www.SID.ir

Archive of SID

همگام با هستی، افشین عاطفی در این اثر به انتساب مطلع الانوار به جوزای نطنزی اشاره نموده است و نام کامل وی را ابوتراب بن حسن ذکر میکند. ۲. کتاب« فرهنگ سخنوران» عبدالرسول خیام پور. در این کتاب اطلاعات زیادی از شاعر، زندگی و آثار وی آورده نشده است و فقط به صورت اجمال به نام کامل وی و قرن زندگیش اشاره شده است.۳. کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» محمدمحسن آقا بزرگ طهرانی. نویسنده در این کتاب به صورت اجمالی به معرفی کتاب مطلع الانوار و جوزای نطنزی پرداخته است ولی از جزئیات زندگی و اشعار وی صحبتی به میان نیاورده است. ۴. کتاب«تاریخ کاشان»عبدالرحیم کلانتر ضرابی به کوشش ایرج افشار. در این کتاب که به تاریخ کاشان و معرفی بزرگان این دیار پرداخته است، جوزای را از جمله شاعران شیعه مذهب ذکر میکند و او را محب آل رسول مینامد که به خاطر عشق و محبت اهل بیت، مطلع الانوار را سروده است.۵. کتاب«تذکره شاعران نطنز از دیرباز تا کنون»عباس دهقانیان. نویسنده ، وی را از شاعران مطرح دورۀ قاجار معرفی میکند و او را از محبان اهل بیت میداند که اشعاری زیادی در منقبت امام علی (ع) سروده است.

۲-جوزای نطنزی:

ابوتراب بن الحسن الحسینی چیمه‌ای، فرزند حسن حسینی چیمه‌ای، متخلص به «جوزا»، اهل قریه چیمه از توابع شهرستان نطنز، از شعرای نامدار دورۀ قاجار است که در دوران پادشاهی فتحعلی شاه قاجار میزیسته است. «وی در اوایل دورۀ فتحعلی شاه در روستای چیمه از روستاهای کوهستانی نطنز که در مسیر جاده کوهستانی هنجن به ابیانه واقع است، به دنیا آمد و بخشی از زندگانی خود را در همانجا سپری کرد. از چند و چون زندگی اجتماعی این شاعر شیرین سخن اطلاع چندانی در دست نیست. وی از شاعران مطرح عصر قاجار است و از او اشعار بسیار نغز و فراوانی به جای مانده است. علاقۀ بی‌ریای او نسبت به خاندان اهل‌بیت در اشعار او بوضوح آشکار است. بیشتر اشعار او در مدح و منقبت حضرت امیرالمؤمنین (ع) وحضرت رسول اکرم(ص) و سایر ائمه و معصومین میباشد» (پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه ،۵۶:۱۳۸۷)

۳-معرفی نسخ خطی مطلع الانوار:

مطلع‌الانوار یا جهانگشا، دستنوشته‌ای مربوط به قرن سیزدهم هجری، اثر ابوتراب بن الحسن الحسینی اهل قریه چیمه نطنز کاشان است. محتوای آن مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام است که شاعر به دلیل اخلاص و ارادت نسبت به مولای متقیان آن را به زیور تحریر آراسته کرده است. با جستجوهای به عمل آمده در منابع و کتابخانه‌ها و گنجینه‌های نسخه خطی، دو نسخه از این دست نوشته موجود که یکی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۶۳نگهداری میشود که همانطور که خود شاعر اشاره کرده است

www.SID.ir

Archive of SID

شامل غزلیات، رباعیات، ترجیعات اوست و به نام دلگشا معرفی کرده است. همچنین نسخهٔ دیگری مشتمل بر ۱۳۴ قصیده، ۲۲ نصیحت و موعظه، ۱۹ ترجیع بند، ۵ مسمط، ۲۲۰ غزل و تعدای رباعی و مفردات مجموعاً ۴۳۰۴ بیت، در ۱۶۹ برگ با شماره ۲۳۱۱ در کتابخانه ملی ایران موجود که با خط نستعلیق شکسته کتابت شده است. نسخه با این متن آغاز گردیده :

«حمد بی حد و سپاس افزون از عدد ،سزاوار احد صمد لم یلد و لم یولدی است که قدرتش قلم صنع وجود ابدی بود».(مطلع الانوار: ۱)

و بیت پایان نسخه چنین است :

خاک درت جای ملک یعنی کـه برتـر از فلـک درماندگان را در سمک بخشا حقیقـت از مجـاز

(همان: ۳۱۴)

۴-تحلیل داده‌ها

۱-۴-سطح فکری(لایهٔ ایدئولوژیک)

در این سطح به افکار و اندیشه‌های مطرح در اثر ادبی پرداخته میشود و اندیشه‌ها و افکاری که تشخص سبکی ایجاد میکنند، مشخص و معرفی میگردد. در این بخش، معنای حقیقی که از خود متن استنباط میشود، مهم است.

جوزای نطنزی از شاعران دورهٔ بازگشت محسوب میشود و شعر سبک بازگشت« از نظر فکری، سعی در بیان همان افکار موسوم در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده و افکار دوران حافظ و سعدی در غزل بود و می‌کوشیدند حتی‌المقدور از مسائل روز (همانطور که از زبان مرسوم در دورهٔ خود) استفاده نکنند تا هر چه بیشتر به اسلوب قدما شبیه باشند. از این رو در زبان شعری و فکر شعری محدودهٔ خاصی داشتند. این فکر حتی تا چند دههٔ قبل هم مرسوم بود و مثلاً میپنداشتند که هر واژه‌ای را نمیتوان در شعر به کار برد یا هر موضوعی را نباید موضوع شعر قرار داد.»(سبک‌شناسی شعر، شمیسا:۳۰۶) بنابراین شاعران این دوره با مشکلات خاصی روبرو بودند.آنها دردوره‌ای زندگی میکردند که نمی‌بایست از دورهٔ خویش حرفی به میان آورند. قدر مسلم اینکه دورهٔ شاعر با ادوار قبل تفاوت فاحشی دارد، اجتماع از نظر سیاسی و حکومتداری بکلی تغییر کرده و پیشرفتهایی در زمینه‌های مختلف صورت گرفته بود و در بسیاری از زمینه‌ها تغییرات زیادی به وجود آمده بود ولی شاعر مجبور بود که از واژه‌ها و لغات زمان خویش در شعر استفاده کند.

احساس و افکار جوزای نطنزی نیز همانند زبان او عاریتی است و گویی خود شاعر هیچ تجربه‌ای از زندگی نداشته و تنها از باورداشت و علایق شاعران قدیم بدون هیچ ارتباطی با زمانهٔ خود تقلید کرده است. توصیف حالات عاشقانه؛ فراق، عشق و عرفان ، وصف معشوق و زیباییهای او و مسائلی از این دست در اشعار او نمود خاصی دارد. در اشعار وی تجربه‌های

www.SID.ir

Archive of SID

شخصی ، اندیشه‌های نو و ابتکار در مضمون‌پردازی وجود ندارد و هنر شاعری او تنها در انعکاس مضامین و مطالب گذشتگان است.

موضوعات و مضامین

اندیشه‌های دینی و اخلاقی

رنگ و بوی مذهب در شعر وی به دوستداری ائمه اطهار به ویژه امیرمومنان علی (ع) و مدح ایشان محدود میشود و شاعر قصد القای تفکر مذهبی خاصی را ندارد، اما توجه ویژه‌ای به اخلاقیات دارد و انسانها را به مضامین زیر فرامیخواند: دعوت به نیکی و کم آزاری[۱] دعوت به راستی و احتراز از دروغگویی[۲] ؛ لزوم صبر و بردباری[۳] ؛ دعوت به صلح و دوری از جنگ[۴]؛ پرهیز از عیبگویی[۵] ؛ رازداری[۶] ؛ وفای به عهد و پیمان[۷] ؛ ترک غرور و خودبینی[۸] ؛ نکوهش حسادت[۹]؛ قناعت‌ورزی[۱۰]

عرفان و اصطلاحات عرفانی

از نظر مضامین عرفانی، اشعار جوزای نطنزی مطلب تازه‌ای در خود ندارد، زیرا «تصوف این دوره نیز تکرار و تقلید است. در حقیقت، هیچ‌یک از صوفیهٔ این دوره به یک لحظهٔ صوفیانهٔ جدیدی نرسیده‌اند، حال آنکه تصوف، حوزهٔ تجربه‌های تازه در زبان و اندیشه است و تکامل تصوف یا تکامل تاریخی زبان تصوف بستگی کامل دارد.(ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ۲۵) میتوان گفت از نظر افکار، عرفان وی تقلیدی از عرفان معتدل سعدی و از نظر اصطلاحات، تقلیدی از لغات و اصطلاحات حافظ است:

تا قدم در ملک درویشی توانی زد بـزن — هر نفس صدق و صفا یعنـی کـه هـو بایـد زدن
(مطلع الانوار:۱۲۹۱)

همتی از نفس پیر مغان بایـد خواسـت — که در این نشئه کف جرم و خطایی بکنیم

---

۱ -خواهی ز صراط اگر که آسان گذری آسایش خود مجو ز رنج دگری(مطلع الانوار: ۳۰۱)
۲ -که گوی عافیت خویشتن به چوگان زد هر آن که از ره صدق آمده‌ست دست‌آموز(همان: ۲۱۶)
۳ -آن که صبر از تو ندارد، دلِ آرامش نیست جز تمنای رخت در همه ایامش نیست(همان: ۲۸۴۲)
۴ - ور با قدر و قضا به جنگ و جدلی درماندهٔ پنجهٔ قضای اجلی
۵ - عیبجویان ز خویشتن دورند لیک در چشم غیر منظورند(همان: ۴۱۶۵)
۶ -به جز خدای نباشد کسیت محرم راز مگوی زار دل خویشتن به کس جوزا(همان: ۳۳۱۷)
۷ - باوفا آن کس که بر عهدش به جا باشد به دهر آن که پیمان را شکسته بی‌حیایی میکند(همان: ۱۱۳۷)
۸ -آن‌که خواهد عاقبت دیدار دوست باید از سر برکند باد غرور (همان: ۳۲۵۳)
۹ -نشست بر سر اورنگ خسروی حکمش حسود بر زیر تخت و کشور غم شد(همان: ۱۶۴۸)
۱۰ -سلامت در قناعت دیده‌ام من حریص از تیغ و دست خود قتیل است(همان: ۲۶۴۵)

www.SID.ir

Archive of SID

(همان: ۳۶۲۰)

(موارد دیگر: قلندر: ۱۰۲ و ۷۰۶ و ۲۲۹۷ و ۳۱۱۰/ عزلت: ۱۲۶۱ و ۲۷۳۴ و۳۶۰۶ و ۳۷۴۹ /پیر مغان: ۲۷۶۰ / عنقا: ۸۱ و ۹۶ و ۵۳۲)

جوزا در قصایدش، تمامی اصطلاحات عرفانی را برای ممدوح اصلیش یعنی حضرت علی(ع) بکار میبرد:

شهنشه ابدی رایت آن که بود تمام عارف و عامی ز عشق وی ابدال
(همان: ۱۲۰۹)

عشق

چشمگیرترین اندیشهٔ بازتاب یافته در غزلیات جوزا، عشق است که بیش از هشتاد درصد از کل اشعارش به آن اختصاص یافته است. عشقی که وی از آن سخن میگوید زمینی است، لذا مضامین خاصی(البته تکراری) مانند اظهار حقارت و ضعف در برابر معشوق ،بیان ناز عاشق و نیاز معشوق و ... بخوبی نمایانده است. در آن جلوه‌گر است. بنابراین میتوان ادعا کرد اشعار عاشقانهٔ او فاقد تجربهٔ شخصی است و وی تنها مضامین دو استاد غزلسرا(سعدی و حافظ) را تقلید کرده است.

چشم مست تو چنان فتنه به آزار دل است که ز نظاره نظرها ز تو بیمار شود
(مطلع الانوار:۳۰۶۳)

در ره عشق ای صنم، صدق و رضا باشد نکوی بر سر عهد آمدی اما به تزویر آمدی
(همان: ۳۸۸۱)

تا سپاه نازش از من کرد ملک دل خراب صبرم از کف میبرد هر دم از این رفتارها
(همان: ۲۴۰۱)

مدح و ستایش

جوزای نطنزی در قصاید خود،تنها یک قصیده در مدح «ظل الله، شاهنشاه عادل»، یک قصیده در مدح «یزدان شاه، شمس الدین و الدوله،نایب السلطنه» یک قصیده در «نعت پیامبر کرم(ص)» ، یک قصیده در « مدح سیده النساء سلام‌الله علیها» و یک قصیدهٔ بهاریه» دارد و باقی قصایدش را به مدح امیرمومنان،علی علی(ع) اختصاص داده است که برخی با عناوین زیر مشخص شده‌اند: «مسلک الوصول بمحبت مولا وشرایطه»،«فی حق مولا»، و...

اصطلاحات علمی و تعابیر

اصطلاحات و واژه‌های نجومی

مشتری آینه‌دار و طلب حسن کند خرمن جنس زحل سوخته شد از آهی
(مطلع الانوار:۱۵)

خورشید و ماه را نبود نور ذات خویش روشن چراغ هر دو به کیوان کند علی

www.SID.ir

Archive of SID

(همان: ۳۶۹)

محمـــود پیـــام‌آور تشـــریف تـــو آمـــد　　در برج شرف تا کـه شـود زهـره اظهـر
(همان: ۸۲۷)

کوکـب افـلاک اول اختـر بـرج قـدیم　　انجم نورالهی شمس دین و عقل و رای
(همان: ۴۰۴۳)

گاهی با تخلص خود«جوزا» ایهام تناسب میسازد:

در حمل بود شه انجم رفت جـوزا در اسـد　　مشتری طالع عطارد شد جـواب التـذاذ
(همان: ۳۲۱۳)

(کیوان: ۲۶۱ و ۶۶۳ / مشتری: ۱۴۶۲/ برج عقرب:۲۴۴۹ و ۲۵۳۹و۳۷۱۴ / برج: ۲۶۵۸ / برج سعادت: ۳۱۰۰)

اصطلاحات موسیقی

رســـاندند افغـــان بـــه چـــرخ کبـــود　　ز آواز چنـــــگ و نواهـــــای عـــــود
(همان: ۱۹۵۴)

مطربـــا ســـرد کـــن ســـرود غـــم‌زدای　　چنـــد گـــوی از نشـــیب و از فـــراز
(همان: ۳۳۴۰)

از پرده‌های دل بـرون آرم همـی آواز را　　ساقی ببخشا ساغری تا فـاش گـویم راز را
(همان: ۲۵۱۰)

مطرب بنال امشب دمی زایل کن از وی هر غمی
بخراش و بخروشان همی هم چنگ و هم آواز را(همان: ۲۵۱۶)

(مطرب: ۲۸۰ و ۶۸۵ و ۷۳۳و ۱۸۸۰و ۲۲۹۶، ۲۶۱۶و ۲۹۲۹ و ۳۳۴۰ و ۳۵۵۹/ مضمار: ؛ چنگ و چغانه: ۱۸۸۰ و ۲۲۹۵و ۴۲۲۲/ چنگ: ۲۵۱۶ ؛ ۲۱۳ و / نی و چنگ: ۱۳۶۶ و ۴۲۶۱/ دف: ۴۲۷۲/)

اصطلاحات و باورهای عامیانه

بااینکه شاعران دورهٔ بازگشت ادبی سعی میکردند از زبان مرسوم زمان خویش استفاده نکنند و از ورود بسیاری از واژه‌ها به شعر ممانعت میکردند، اما در اشعار جوزای نطزی برخی تعابیر، ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه دیده میشود:

آن کـه بـا صـبح خیـالش شـام کـرد　　طالعش میمـون و فـالش مقبـل اسـت
(همان: ۲۶۷۰)

مـــه یـــا کـــه پـــری رخـــی نـــدانم　　خورشـــید ســـپهر یـــا کـــه حـــوری
(همان: ۲۰۵۱)

پرده بگویمت چرا پیش جمال میبری　　زانکه به چشم آدمی خویش نهان کند پری

www.SID.ir

Archive of SID

(همان: ۳۷۸۵)

(طالع و فال و بخت میمون : ۲۸۰۹ / فال: ۳۵۷۷ و۳۹۵۳ / پری: ۲۱۸۳و ۲۲۳۹ و ۲۵۲۹و۲۵۸۶و۲۷۱۱و ۲۷۴۲و ۲۹۹۰و ۳۶۳۷)

مسائل سیاسی و اجتماعی در اشعار وی بازتابی ندارد و به عبارت دیگر رمزگانهای به کار رفته در اشعار وی با بافت سیاسی اجتماعی دوران شاعر هیچ سنخیتی ندارد، زیرا او تنها با تقلید صرف از رمزگانهای اشعار حافظ پرداخته است. به علاوه در اشعارش اصطلاحات پزشکی، کلامی و فلسفی چندانی وجود ندارد.

۲-۴-سطح زبانی(ساختار زبانی)

سطح زبانی مقوله‌ای گسترده است که آنرا به سه سطح کوچکتر آوایی، لغـوی و نحـوی تقسیم‌بندی میکنند:

سطح آوایی

در سطح آوایی که به آن سطح موسیقایی نیز گفته میشود، عوامل موسیقی‌آفرین مورد توجه قرار میگیرند و خود بر سه سطح موسیقی بیرونی(وزن)، موسیقی کناری(ردیف و قافیه) و موسیقی درونی(انواع سجع و تکرار) را شامل میشود.

موسیقی بیرونی

«وزن، نظم و تناسب خاصی است در اصوات شعر»(نگاهی تازه به بدیع، شمیسا:۲۴) وزن در زیبایی و دلنشینی شعر نقش مهمی دارد و شاعران معمولاً جهت تاثیرگذاری بیشتر اشعار خود اوزان مناسب و موردپسند را انتخاب میکنند. در اشعار جوزای نطنزی، تعداد ۲۴ وزن به کار رفته(۱۸ وزن در قصاید و ۲۲ وزن در غزلیات و یک وزن در مثنوی) که اکثر آنها از اوزان کثیرالاستعمال هستند ، وزن: «فعلات، فاعلات،فعل، فعلات، فاعلات،فعل» در قصیده و وزن«فعولن،فعولن،فعولن،فعل» در مثنوی استفاده شده و باقی اوزان مشترک در دو قالب غزل و قصیده هستند. بیشترین اشعار در سه وزن « فاعلاتن،فاعلاتن،فاعلاتن،فاعلن» (۵۳ مورد)« فاعلاتن،فعلاتن،فعلاتن،فعلن»(۴۳مورد) و« مفاعلن،فعلاتن،مفاعلن فعلن» (۳۰مورد) سروده شده‌اند. این وزن اخیر، پرکاربردترین وزن شعر فارسی است، و « برای بیان شکوه و اندوه و تجربیات غم‌انگیز مناسب است، و یکی از نزدیکترین اوزان به طبیعت کلام عادی و طبیعی است و با آن میتوان به راحتی روایت کرد و سخن گفت.(سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۲۸) نکتهٔ قابل ذکر در اشعار جوزای نطنزی، تناسب اوزان با محتوای اشعار است، آنجاکه سخن از غم و اندوه است از اوزانی استفاده میکند که آهنگی سنگین و غم‌انگیز دارد و انجا که سخن از شادی و غنیمت شمردن حال است، اوزان شاد و نشاط انگیز را به کار گرفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

«نکته‌ای که باید در مورد اوزان شعر بازگشت گفت، این است که در قرن سیزدهم به تدریج اثر جنبش نادری با قدرت دولت مرکزی قاجاریان تثبیت شد و ذوق عمومی رو به اعتدال گذاشت و شاعران به پیروی از استادان قرون هفتم و هشتم پرداختند. وزن چهار بار مفاعیلن که در قرن گذشته به علل مذکور رواج فراوان یافته بود، کمتر بکار رفت و وزنهای خفیف و نشاط‌انگیز که مورد استفادهٔ سعدی و حافظ بود؛ بار دیگر در غزل مقام خود را به دست آورد.»(سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ۲۲۱)

موسیقی کناری

«در زبان عربی و فارسی، قافیه هم مثل وزن اساس شعر است و اهمیت آن اساسی.»(شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، زرین‌کوب:۹۶) «قافیه به قول مایاکوفسکی «چفت و بست شعر» است و این سخن او بسیار سخن دقیق و قابل ملاحظه‌ای است، قافیه طرح و پیکرهٔ صوری و صوتی شعر را به وجود می‌آورد . اگر نااستوار باشد مایهٔ ضعف سخن میشود.(موسیقی شعر، شفیعی کدکنی:۸۳) از نقشهای قافیه در ساختار شعر میتوان به این موارد اشاره کرد:

۱-تاثیر موسیقایی۲-تشخصی که قافیه به کلمات خاص هر شعر میبخشد۳-لذتی که قافیه از برآورده شدن یک انتظار به وجود می‌آورد۴-زیبایی معنوی یا تنوع در عین وحدت ۵-تنظیم فکر و احساس ۶-استحکام شعر ۷- کمک به حافظه و سرعت انتقال ۸- ایجاد وحدت شکل در شعر ۹- جدا کردن و تشخص مصرعها ۱۰- کمک به تداعی معانی ۱۱- توجه دادن به زیبایی ذاتی کلمات ۱۲-تناسب و قرینه‌سازی ۱۳-ایجاد قالب مشخص و حفظ وحدت ۱۴- توسعهٔ تصویرها و معانی ۱۵- القاء مفهوم از راه آهنگ(همان:۶۲)

بیشتر قوافی در اشعار جوزای نطنزی، اسمی و ساده است و درصد بسیار کمی از آنها فعلی است. وی به منظور تکامل موسیقی شعر خویش به ردیف توجهی خاص دارد و ردیفهای طولانی و متکلفانه در اشعار او بسیار اندک است و اکثراً از ردیف فعلی استفاده کرده است. «ردیف جزئی از شخصیت غزل است و غزل موفقی که ردیف نداشته باشد کم داریم و اگر گاهی شاعران بزرگ خواسته‌اند غزل بی‌ردیف بگویند، موسیقی ردیف را از رهگذری دیگر در شعر ایجاد کرده‌اند.»(نگاهی تازه به بدیع، شمیسا:۱۲۶)

در اشعارش بی‌مبالاتیها و اشتباهات فاحشی در کاربرد ردیف و قافیه دیده میشود، به طور مثال در نمونهٔ زیر علاوه بر اینکه در مصرع اولِ بیت اول، از ضمیر به عنوان قافیه استفاده کرده است، ولی در مصرع دوم، قافیهٔ اسمی و در بیت دوم قافیهٔ فعلی می‌آورد؛ همچنین بیت اول را ذوقافیتین آورده است:

ای که پیوسته به فکر من و دلخواه **منـی** — دل قوی دار که در دهر تو مـاه **زمنـی**
هر دری را بگشایی بودت بخـت نکـوی — خرم آنروز که این پـرده ز رخ **برفکنـی**...
(مطلع الانوار:۳۹۸۴-۳۹۸۵)

www.SID.ir

Archive of SID

یا در نمونهٔ دیگری، بیت اول دارای ردیف است ولی از بیت دوم به بعد، همان ردیف را مبنای قافیه قرار داده است:

تو این دیوانگان را در خم زنجیـر **میبندی** و یا در قید بی‌صبری به هر تقدیر **میبندی**
به این جور و جفا گفتم به آن غارتگر دلها به تاراج قرار و صبرم ای بی‌رحم تا **چندی**...
(همان: ۳۸۳۹-۳۸۴۰)

جوزا گاهی در اشعارش واژه‌های غیر فارسی را با واژه‌های فارسی و حتی ضمایر، به عنوان حروف قافیه به کار میبرد:

از مجموع ۱۳۴ قصاید جوزا، تعداد نود و هشت مورد، یعنی هشتاد و دو درصد قصاید، دارای ردیف هستند. از این اشعار، ۴۹مورد فعل غیر ربطی، ۲۶مورد فعل ربطی، ۲مورد اسم(نجف، نطنز)،۴.مورد ضمیر(من، تو)،۲مورد حرف(را) .،۳مورد مصدر(باختن، داشتن، باید زدن)یک مورد علامت جمع(ها)، و چندین مورد ردیف گروهی، مانند: ۵مورد ترکیب اسم و فعل ربطی(محمدی است، علی است، است علی، فاطمه شد)،یک مورد ترکیب فعل و اسم(کند علی)،یک مورد تکرار فعل غیر ربطی(ریخت، ریخت)، دو مورد ترکیب ضمیر و فعل ربطی(من است)و دو مورد ترکیب ضمیر و اسم(تو یاعلی) است.

از مجموع ۲۲۰ غزلیات جوزا، تعداد ۱۷۳مورد دارای ردیف است. از این اشعار، ۹۸مورد فعل غیر ربطی، ۴۵مورد فعل ربطی، ۸مورد اسم، ۵مورد ضمیر(من،ما)، ۱۱.مورد حرف(را) ،یک مورد علامت جمع(ها)،و ردیفهای گروهی مانند: یک مورد ترکیب ضمیر و فعل غیر ربطی(تو رفت)، یک مورد ترکیب فعل ربطی و صفت(است مشهور) یک مورد ترکیب حرف اضافه و اسم(ز فرخ)،یک مورد ترکیب فعل غیر ربطی و اسم(است امشب) است.

موسیقی درونی

موسیقی درونی، انواع جناس و سجع و تکرار را شامل میشود. این قلمرو موسیقی شعر، مهمترین قلمرو موسیقی است که استواری و انسجام جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی در همین نوع از موسیقی نهفته است.

جناس

«مفهوم جناس، هر نوع اشتراک در مصوتها و صامتهای کلام است که در طرحهای گوناگون میتواند خود را نشان دهد. در ذات و طبیعت هر زبان، جناس خود را به عنوان یک قانون زیباشناسی نشان میدهد.»(موسیقی شعر، شفیعی کدکنی:۳۰۱)

جوزای نطنزی با به کارگیری انواع جناس، بر موسیقی شعر افزوده است و آنرا آهنگین ساخته است. وی در جناسها و سجعهای خود از کلمات ساده استفاده میکند. بسامد جناسهای قلب، مرکب(مرفو) و لفظ در اشعار وی اندک است و شاعر بیشتر از جناسهای زائد، اشتقاق و تام و ناقص برای افزایش آهنگ و موسیقی شعر خویش استفاده کرده است.

گنج آسودگی و **کـنج** قناعـت بگـزین خوش‌نما نیست که در جمع پریشان باشی
(مطلع الانوار:۳۹۸۲)

www.SID.ir

Archive of SID

بشکند قیمت شکر، چو گشایی لب لعل **گل** شود خار زمانی که بـه **گلزار** آیـی
(همان: ۳۹۶۱)

لیـــک معشـــوقهٔ مـــن و جـــوزا **علـــم** محـزون شـخص بـی**عملـــی**
(۳۹۶۳)

سجع

که به آن تکرار نحوی نیز گفته میشود«در تکرار الگوی نحوی چون ویژگیهای بخش یا مصراع دوم، اولی را تداعی میکند، ذهن از این دریافت لذت میبرد. تکرار نحوی قرینه‌سازی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست.»(بدیع از دیدگاه زیباشناسی وحیدیان کامیار: ۵۶)

خاک درت جای ملک، یعنی کـه برتـر از فلـک درماندگان را در سمک،بخشا حقیقـت از مجـاز
(مطلع الانوار:۳۱۴)

فلک گردون ز تقدیرش، جهان بر پا ز تـاثیرش هم از دست جهانگیرش، بـه سـر خورشـید را مغفـر
(همان: ۹۴۱)

ز یک ساغر زما دلبر که از وی جمله تا محشـر نه خود بینم نه خود پرور، تو از آن هر دو پـروا کـن
(همان: ۷۳۵)

تکرار

«سومین روشی که در بدیع لفظی، موسیقی کلام را به وجود می‌آورد یا افزون میکند، روش تکرار است. تکرار واک، هجا، واژه، عبارت، جمله یا مصرع. روش تکرار معمولاً در سطح کلام بررسی میشود.(بیان، شمیسا:۷۳) «از مصادیق آن میتوان هم‌حروفی، هم‌صدایی، تکرار واژه، طرد و عکس و..را نام برد. تکرار در زیباشناسی هنر از مسائل اساسی است. (همان: ۸۳)

علاوه بر تکرار کلمات، در اشعار جوزای نظنزی، از روشهای زیر برای افزایش موسیقی(در سطح هم‌حروفی) استفاده میشود: آوردن واژه‌هایی که صامت آغازین آنها مشترک است: خال و خط، دین و دل،/ آوردن دو واژه که صامت آخر واژهٔ اول با صامت آغازین واژهٔ دوم مشترک باشد: آب بقا، دختر رز / آوردن واژه‌هایی که صامت آغازین واژهٔ اول و صامت پایانی واژهٔ دوم مشترک باشد: خورشید رخ/ واژه‌هایی که صامت میانی آنها مشترک باشد: نشاط عشق، کرشمهٔ آشوب / واژه‌هایی که صامت پایانی آنها مشترک باشد: شراب ناب، گوش هوش / واژه‌هایی هم‌وزن که صامتها و مصوتهایی در آنها مشترک باشد: سنگ و جنگ، پند و بند و..

مسائل مربوط به تلفظ

ابدال

شاها مرا دست ادب به دامنت گشـته دراز ای بحر جود بی‌نیاز **نومیـدم** از ایـن ره مسـاز
(مطلع الانوار:۴۳۰۱)

www.SID.ir

Archive of SID

حذف

یـــادت همـــه میبـــرد بـــه فـــردا　　ایـــن **چـــار** عناصـــرند معـــذور
(همان:۳۲۹۳)

روی یکبـاره بـه درگـاه **پیمبـر** کـردم　　ترک دیـدار و تمنـای دو کشـور کـردم
(همان: ۱۷۲۵)

افزایش

اوستاد جبرئیـل و بوالبشـر را رهنمـا　　آنکه گلشن کرد ناری بر خلیل ذوالمنن
(همان: ۵۲۰)

مغرور به مال و حسن و ثـروت نشـوی　　که اینها همه تا نگه کنی گشته **فنـای**
(همان: ۴۱۳۴)

سطح لغوی(ساختار واژگانی)

بررسی درصد لغات فارسی و عربی، لغات بیگانه مانند ترکی یا مغولی یا کهن‌گرایی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم ذات یا معنی و..در این بخش مورد بررسی قرار میگیرد.

بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی میدانند و در کار شناخت سبکها بیش از هر چیز چشم بر واژگان دوخته‌اند، البته نمود واژگانی سبک بیشتر از دیگر لایه‌های زبانی است. این نگرگاه چندان بی‌پایه نیست، زیرا واژه هم شناسنامه‌دارتر از دیگر از سازه‌های زبان است و همچون انسان، زنده و پویا است. بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه‌ها میسازد. واژه‌ها، ایستا و منجمد نیستند، بلکه جاندار و پویایند، تاریخ و زندگینامه دارند ، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف پذیرند و برخی در اثر فشار بافتهای مختلف تغییر شکل و معنا میدهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد میکنند...واژه‌ها از نظر ویژگیهای ساختمانی، گونه‌ای دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع‌اند. انبوهی هریک از طیفهای واژگانی در متنهای ادبی و کاربردهای زبانی، زمینهٔ تنوع سبکها را پدید می‌آورد، از این رو برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقشمند یک نوع واژه یا یک طبقهٔ واژگانی در متن اهمیت دارد.»(سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۲۴۹)

شفیعی کدکنی در مورد وضعیت واژگان سبک دورهٔ بازگشت مینویسد: « زبان از نظر واژگان –یعنی لغات- به دو گروه تقسیم میشود:الف)مفردات. ب) ترکیبات. اما در هیچ‌یک از اینها کوچکترین تحولی در این دوره(بازگشت) دیده نمیشود...در شعر این دوره، نه تنها مفردات تازه‌ای دیده نمیشود، بلکه اگر در حوزهٔ واژگان بخواهیم شعر این دوره را تحلیل و داوری کنیم، تقریباً حتی نسبت به عصر صفویه هم عقب‌افتاده است و برگشت به عقب

www.SID.ir

Archive of SID

کرده است، چون شعر عصر صفوی-چه از لحاظ واژگان و چه از لحاظ ترکیبات- غنی‌تر و سرشارتر است. »(ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ۲۸)

جوزای نطنزی شاعری واژه‌پرداز و ترکیب‌ساز نیست و واژه‌ها و ترکیبات مورد استفادهٔ وی، ابداعی و توآور نبوده، بلکه همانند مضامین شعری خود، از همان واژه‌ها و ترکیبات اشعار سعدی و حافظ استفاده کرده است. به همین دلیل اشعار او به دلیل پیروی از سبک حافظ و به خاطر ذکر واژه‌های ذهنی و انتزاعی، دارای پیچیدگی و ابهام هستند. « غلبهٔ واژه‌ای عینی (در برابر ذهنی) سبک متنی را حسی میکند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک میشود. واژه‌های ذهنی تیره‌اند، چون تصویر روشنی از مدلول خود را در ذهن خواننده حاضر نمیکنند، ولی واژه‌ای حسی، تصویر محسوسی در ذهن حاضر میکند. شفافیت سبک ادبی و تاثیر هنری آن ناشی از غلبهٔ واژه‌های حسی است و تیرگی و ابهام سبک، محصول بسامد بالای واژه‌های ذهنی است.»(سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۲۵۱)

واژگان و ترکیبات پربسامد

دایرهٔ واژگان در اثر مطلع الانوار اندک است. شاید یکی از دلایل آن، قلت مضامین اشعار وی باشد و شاعر به همین سبب ناگزیر از انتخاب مکرر برخی واژه‌ها بوده است. واژگانی و ترکیباتی مانند: رند، فراق، وصال، پیر مغان، ساغر، زلف پریشان،شام فراق و...در اشعار او بسیار کاربرد دارند.

واژه‌های عامیانه

بردی به گوشش جمله سر کی واقف هر خیر و شر — برگو اگر داری خبر گفتا رخ **شمع و لگن** (مطلع الانوار:۴۲۴)

عنبرین موی عاشقان سخن — همچو در چشم جاهلان **کچلی** (۳۹۶۳)

لغات و ترکیبات عربی

خرمن عقل بسوزان ز تف آتش عشق — که چنان **نص حدیث** است و مقام **بلهاست** (همان:۲۷۳۵)

فخریه این بس است که خوانده است یار ما — با خادمان درگه خود عهدپرورم (همان: ۳۵۵۱)

سطح نحوی

بررسی جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختهای غیر متعارف و کوتاه و بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری مانند آوردن انواع یاء، آوردن دو حرف اضافه و...در این بخش تحلیل میشوند.

www.SID.ir

Archive of SID

«نحو عبارت است از «بررسی قواعد حاکم بر شیوهٔ ترکیب واژه‌ها و شکل قرار گرفتن جمله‌ها در یک زبان. در این کاربرد، نحو در برابر صرف(تکواژ شناسی یا دانش شناخت واژه) قرار دارد. نحو در تعریفی دیگر عبارت است از بررسی روابط میان عناصر ساختمان جمله و قواعد حاکم بر نظم و توالی جمله‌ها. (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی:۲۶۹)

«نحو زبان شعر این دوره(بازگشت) همان نحو شعر دورهٔ غزنوی و سلجوقی است. شاعران این دوره، ساختهای از پیش آمادهٔ نحو زبان سلجوقی و غزنوی را بی آنکه دربارهٔ آنها کوچکترین تاملی داشته باشند، در حافظه‌های خود انبار کرده‌اند و عیناً تقلید میکنند. حال آنکه در زبان فارسی امکان جابه‌جا کردن عناصر یک جمله بسیار است ، بخصوص وقتی که جمله پیچ‌درپیچ میشود و دارای اجزای متعدد و متنوعی است. شاعران این دوره در قلمرو نحو زبان نیز، در حقیقت همان هستند که شاعران قرن پنجم و ششم هجری بودند.(ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ۳۰۰) با بررسی اشعار جوزای نطنزی نیز دیده شد که نحو زبان وی همانند نحو زبان سعدی و حافظ است، کهنگیهای صرفی و نحوی در شعر او دیده میشود و در بیشتر اشعار او مصرعها دارای استقلال دستوی‌اند و ابیات موقوف‌المعانی بسامد اندکی دارد.

از دیگر ویژگیهای اشعار او، ایجاز و کوتاهی جملات است. «طول جمله، نسبتی با میزان درنگ و تامل گوینده در یک واحد فکری دارد. فراوانی جملات کوتاه و منقطع در سخن، باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی میشود و برعکس فراوانی جمله‌های بلند، سبکی آرام را رقم میزند و جمله‌های مرکب تودرتوی پیچیده، حرکت سبک را کند میکند. سبکهای مقطع و پرشتاب، عاطفیتر و سبکهای مرکب، برهانی و منطقیترند.(سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۲۷۵) او در اوزان نشاط‌نگیز و ضربی، از جملات کوتاه و در اوزانی که برای بیان اندوه و تاملات درونی از آنها بهره گرفته است، از جملات بلند استفاده میکند که به‌کار گیری این نوع جملات بار عاطفی اشعارش را تشدید میکند.

استعمال صورت کهن واژه‌ها

خوش آن دمی که در خم زنجیـرت **اوفتد** دیوانه‌ای که نیست مهارش به دست ما (۲۴۴۰)

و غزلی با مطلع زیر که ردیف آن واژهٔ «اوفتد» است:

تا زلف عنبرین تو خم در خـم **اوفتــد** یک‌باره خاطر همه‌کس در هـم **اوفتــد** (۳۱۰۲)

کاربرد کاف تصغیر به صورت بی‌سابقه

www.SID.ir

Archive of SID

شکرلله که پس از مرحلۀ شام فراق داد تسکین من و این **دلک** محزون را
(همان: ۲۵۰۸)

استعمال فعل به صورت وصفی

آن را که خداش وصف **گفته** ای عقل، نگر که در کجایی
(همان: ۳۹۶۸)

پرده ز رخ **برگرفته** گل به تماشا گوش فلک کر شد ز ترانۀ بلبل
(همان: ۲۷۸)

دل ز کفم **رفته** به دیوانگی تا که ببیند قمر خانگی
(همان: ۳۷۹۳)

کاربرد فعل در صورت و معنایی متفاوت

در نظم و نثر کهن فارسی، گاهی افعال را در معنی خاص یا اصلی بکار میبردند که با معنی امروزی آنها متفاوت بوده است.

جوزای نطنزی نیز،گاه برخی افعال را در معنی اصلی یا کهن به کار میبرد، مانند« شدن» در معنای « رفتن» :

ز چه میکنی نصیحت که نه مرد استماعم **شده** دل چنان ز دستم که سری به راه دارم
(همان: ۳۵۳۴)

قدمی میروم و طاقت رفتارم نیست دل **شد** و جان به کفم در ره و تاخیر کنم
(همان: ۳۵۶۴)

حذف حرف اضافه:

نخل بلند تو کجا دست امید ما رسد لیک در آرزوی خود تاختنم بود هوس
(همان: ۳۳۷۹)

۳-۴-سطح ادبی(ساختار بلاغی)

«توجه به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه(مجاز) بکار رفته‌اند، مسائل مهم علم بیان از قبیل تشبیه ، استعاره، سمبل و کنایه؛ مسائل بدیع معنوی مانند ایهام ، تناسب و بطور کلی زبان ادبی اثر و انحرافهای هنری و خلاقیت ادبی در هر زبان (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا:۲۱۳) در این سطح بررسی میشود. صور خیال در علم بیان به چهار موضوع: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه محدود شده است. از میان انواع مختلف مجاز، فقط استعاره است که تصویرساز است و انواع دیگر مجاز، مربوط به علم معنی‌شناسی است(بیان و معانی، شمیسا: ۲۱) از این رو در این قسمت موضوع مجاز بررسی نمیشود.

تشبیه

از آنجا که جوزا نطنزی از شاعران دورۀدوم بازگشت محسوب میشود، به صورخیال

www.SID.ir

Archive of SID

اهمیت میدهد، از نظر بسامد،تشبیهات این منظومه به صورت زیر است: مجموع تشبیهات(با درنظر گرفتن تشبیهات تکراری): ۹۶۸ تشبیه/ تشبیه حسی به حسی: ۸۱۰/ حسی به عقلی: ۵۵ / عقلی به حسی: ۸۳/ تشبیه مضمر: ۱۶/ تشبیه جمع: ۴/

تشبیه در مطلع الانوار جوزای نطنزی بیشتر در یک بیت می آید ، ساختار تشبیهات موجود در این اثر بسیار ساده است و به همین دلیل تشبیه مضمر و تفضیلی و ... کاربرد اندکی دارد ، ولی با این وجود تشبیه پربسامدترین عنصر خیال در مطلع الانوار جوزای نطنزی است و از میان انواع تشبیه، بالاترین بسامد متعلق به تشبیهات محسوس به محسوس (غالباً مرسل) است.

علت ذکر تشبیهی که یک طرف آن عقلی است، در اشعار جوزا نظنزی شاید این باشد که وی به پیروی از شاعران عراقی که دارای روحیهٔ درونگرا بودند بیشتر به امور انتزاعی و عقلی توجه و آنها را در شعر خود منعکس میکند.

بالای تو **سروی** است که گویند چمانش مانند به خرامیدن طاووس سراسر
(مطلع الانوار:۳۲۸۱)

خوبرویان را **دلی سنگ** است اگر نازکدل‌اند **اشک عاشق** همچو **سیل** او را بغلطاند به راه
(همان: ۳۷۳۰)

انبیای سلف که آمده‌اند همچو **خورشید** و مطلع است و ضیا
(۲۳۶۴)

و گاهی یکی از طرفین تشبیه را ذهنی می‌آورد:

مهر تو بدین ملک فنا گر تو بدانی ماند به سبویی که نهان می‌خوردش سنگ
(همان: ۱۹۳۲)

در اشعار جوزا، تشبیهات بلیغ یا اضافه‌های تشبیهی فراوانی وجود دارند، اضافه‌های تشبیهی، تشبیهات فشرده و خلاصه‌شده هستند مانند: مرغ دل(۶۹۵ و ۱۸۴۶ و ۲۱۵۵ و ۲۵۳۰ و ۲۶۲۹ و ۲۸۷۱و ۲۹۷۲ و ۳۱۷۷ و ۳۷۱۹)، لب لعل(ابیات:۴۳۲و ۲۰۶۴و ۲۰۸۹ و ۲۶۳۳و...)کتم عدم(۲۳۵۸)،آینه ذات(۲۳۷۲)، آینه دل(۲۳۷۴)،کشتی امید(۲۳۷۵)،شمع دل(۲۳۷۴)،سلسلهٔ اشتیاق(۲۳۸۹)، مصر نیکویی(۲۳۹۲)، تیر مژگان(۲۳۹۷)، سپاه ناز(۲۴۰۱)، آتش هجران(۲۴۱۰)، دیگ طمع(۲۴۱۶)،شام فراق(۲۴۱۳)، شمشیر غم(۲۴۳۶)، طبل عشق(۲۴۶۵)، و...

استعاره

استعاره در مطلع الانوار جوزای نطنزی بیشتر از نوع استعاره مصرحه و تا حدودی مکنیه (اضافهٔ استعاری) است .

www.SID.ir

Archive of SID

استعارهٔ مصرحه

مجموع تعداد استعارهٔ مصرحه در مطلع الانوار ۱۴۴ مورد(با در نظـر گـرفتن اسـتعارات تکراری) است.

آنچه بر لوح قضـا رفتـه خلافـش نـرود قسمت هجر من از **لعل شکرخای** تو رفت
(همان: ۲۶۹۶)

دیگـر آن **سرو روان** همچـو قیامـت برخاسـت قامت آراست که این شور قیامت برخاست
(همان: ۲۷۳۱)

سر سودای مـن و جـوزا نـدارد آخـری میوهٔ این **نخل** اگر خواهد خـدا امسـاله نیسـت
(همان: ۲۰۰)

(لعل استعاره از لب: ۶۷ و ۲۷۸۳ و ۳۵۰ و ۵۲۷ و ۵۵۴ و ۱۱۷۱ و ۱۳۲۲و ۱۳۷۷ و ۱۶۷۹ و.../ سرو استعاره از قد یار: ۳۰۲۳ و ۳۸۱۷ و ۳۸۶۷ و۲۳۸۸و۲۴۳۴و ۲۵۴۴و..)،... ماه- مه : معشوق(۲۳۸۸و۲۳۹۴و۲۳۹۵ و۲۳۹۹ و.../ شام یلدا: زلف معشوق(۲۳۹۰)، مست: زلف (۲۳۹۱)، نرگس:چشم (۲۴۰۰)، هلال: رخ معشوق(۲۴۲۵)، بدر: رخ معشوق (۲۴۴۹)، آفتاب: رخ معشوق(۲۵۳۹)، سنبل: زلف(۲۵۴۳)، لعل(۲۵۶۰)، و...

استعارهٔ مکنیه

استعارهٔ مکنیه بلیغتر از استعارهٔ مصرحه است، زیرا در استعارهٔ مصرحه«مشبه به » ذکر میشود، اما در استعارهٔ مکنیه هیچ یک از ارکان تشبیه ذکر نمیشود و به نقل لوازم«مشبه‌به» اکتفا میشود. این نکته از سویی بر تصور یکشانی مستعارمنه و مستعارله می‌افزاید و از سوی دیگر ذکر لوازم«مشبه‌به» (نه مشبه‌به) ابهام هنری را نیز بیشتر میکند، از این روست که ذکر نکردن شیء مستعار و ذکر لوازم مستعار را از رازها و رمزهای لبلاغت دانسته‌اند و تاکید کرده‌اند که استعاره مکنیه مبالغهٔ زیادی دارد. (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ۱۱۵)

اما جوزای نطنزی چنانکه باید به استعارهٔ مکنیه در اشکال مختلف آن توجهی نشان نداده است و بیشتر به اضافهٔ استعاری بسنده کرده است. در مطلع الانوار تنها ۴۵ استعارهٔ مکنیه دیده میشود که بیشتر آنها بصورت اضافهٔ استعاری هستند؛ مانند:

پنجهٔ قضا و قدر(۲۴۱۹)، دامان لطف(۲۴۴۵)، دست بی صبری(۲۶۰۵)،دامن وصل(۲۶۲۶)، پای طلب(۲۶۹۵)، دامن عزلت(۲۷۳۴)، دامن دولت(۲۸۵۰)و...

ای آسـمان بـی‌سـتون بایـد شـوی آن دم کان ثانی فرعون دون، بر منبر و محـراب شـد نگون
(همان: ۱۸۴)

ای بـــاد ســـحر ز مهـــر یکـــدم از مـــن بـــه نگـــار مـــاهرو گـــوی
(همان: ۲۲۳۷)

www.SID.ir

Archive of SID

غم را بگوی خیمه در این مملکت مزن　　عین وصال آمده چون صبح و شام ما
(۲۴۲۱)

گل خنده زنان به باغ لرزد　　بلبل به فغان ناله برخاست
(۲۶۱۴)

به نظر میرسد مهمترین دلیل برای بی‌اعتنایی جوزا به استعارهٔ مکنیه (وتشخیص) این بود که استعارهٔ مکنیه یکی از ابزارهای اصلی خیال‌انگیز ساختن شعر در سبک هندی بود و شاعران سبک بازگشت(و جوزا نیز) که از سبک هندی روی برتافتند، نسبت به این صنعت پرکاربرد در سبک هندی، سعنی استعارهٔ مکنیه بی‌اعتنایی نشان دادند.

کنایه

تعداد کل کنایات به کار رفته در این اثر ۱۱۶ مورد است که بسامد کنایات فعلی در مقام مقایسه با دیگرکنایات بیشتر است. کنایات بیشتر از نوع ایما می‌باشد، یعنی درک آن آسان است و به قول قدما کنایهٔ قریب است. به عبارت دیگر اغلب کنایات مورد استفاده در این اثر از کنایات روزمره و عامیانه استفاده شده است.

چه کند گر **ننهد سر به خط فرمانش**　　زآنکه جوزا همه چون گوست خم چوگان را
(همان: ۲۴۳۸)

موارد دیگر: قرار از کف بردن(۲۳۸۷)، طبل بی هنگام زدن(۲۴۰۹)، سربر خط فرمان نهادن(۲۴۳۸)، مه در عقرب آوردن(۲۴۵۰)، پا در گل بودن(۲۴۵۵و ۲۵۳۶)، عنان کشیدن (۲۴۶۷)، به باد دادن(۲۴۷۶)،به گهر تکیه زدن(۲۵۰۵)، نقش بر آب بودن(۲۵۵۴)، در ششدر بودن(۲۶۶۳)، کمر بستن به کاری(۲۸۱۹)، و...

تلمیح و انواع آن

شاعر با ذکر تلمیحات دینی، غنایی و اساطیری، سعی دارد فضاسازی مناسبی برای انتقال مسائل عاشقانه فراهم کند:

تلمیح دینی

تلمیح به شخصیّت‌ها و حوادث قرآنی از أثرپذیریهای شعرا از آیات قرآن میباشد. در واقع میتوان گفت در این روش شاعر با استفاده از آرایهٔ تلمیح به شخصیّت‌های قرآنی و حوادث گوناگون اندیشه و تجارب شخصی خود را به تصویر میکشد. البته این شخصیت‌ها هم میتواند شخصیت پیامبران باشد و هم دیگر شخصیت‌ها.

خاتم مهر تو بر دست **سلیمان** چو رسید　　در نگینش همه آفاق چو **اهریمن** شد
(همان: ۳۱۶۹)

به **طوفان نوح** درماندی نمیکردش اگر یاری　　و هم **موسی عمرانی** شدی مستغرق دریا
(۸۶)

از فراقش همه شب بود پریشان **یعقوب**　　صبح رخسار رخش **یوسف** کنعان زد و برد

www.SID.ir

Archive of SID

خضر آمد بـه در میکـده رندانـه یکـی ساغری از کفـش از **چشمهٔ حیـوان** زد و بـرد
(همان: ۱۴۵۸ و ۱۴۵۹)

یـک پرتـو انـوار تـو افتـاد بـه **مـریم** شد نقش برازندهٔ این صـورت **عیسـی**
(همان: ۸۸۰)

تلمیح اساطیری

ز تیر **تهمتن** ولی فرو بـه چـاه **بیـژنم** از این رسد به نه فلک فغان و آه و شـیونم
(۲۳۰۴)

خاک **جمشید** و گل فرق سر **افراسـیاب** پس سبو سازیم و هر کوسی به فرق کـی زنـیم
(۳۵۵۵)

شکست تاج **فریدون** ز سنگ حادثه بـین نشسته بر دل این تیره خاک، پور **پشنگ**
(۳۴۷۲)

تلمیح به قهرمانان داستانهای غنایی و حکمی

اگر به چشم **مجنون** جا گزیند ناصـحش دانـد که نتوان صبر یک ساعت کند هجـران **لـیلا** را
(همان: ۲۳۹۵)

مگر نداشت خبر صدق عشـق را **شـیرین** که تیشه بر دل خود گفت میزنـد **فرهـاد**
(همان: ۳۰۸۷)

تا نعرهٔ احسـان تـو گسـترده بـه عـالم **حاتم** همه جا سـر بنهـاده بـه فقیـری
(همان: ۲۴)

تصویرآفرینی

تـو را صـبح طـرب طـالع شـد امـروز به دامن دست بی‌صبری دخیـل اسـت
(همان: ۲۶۰۵)

خیال تو مـاری اسـت روی گـنج غمـم که پیچ و تـاب درآورده عظـم عظمـا را
(همان: ۲۵۲۱)

نتیجه‌گیری

جوزای نطنزی، بالغ بر هفتاد درصد غزلهای خود را به اقتفا و اقتباس از حافظ سروده است و سلوک شعری حافظ در اشعار او کاملاً مشهود است.

قصاید وی بیانگر احترامی است که شاعر بر دین و مذهب خود و خصوصاً احترامی که بر امیر مومنان، امام علی(ع) داشته است.علاوه بر مدح(خصوصاً مدح امیر مومنان) که اصلیترین مضمون شعری قصاید وی محسوب میشود، مضامین تعلیمی و اخلاقی نظیر: دعوت به نیکی و کم آزاری، دعوت به راستی و احتراز از دروغگویی؛ لزوم صبر و بردباری و... جزو مضامین شعری وی هستند. در مباحث دینی، بیشتر به مدح امیرالمومنین(ع)

www.SID.ir

Archive of SID

پرداخته‌است. در مباحث عرفانی به موضوعات خاصی مانند: توحید، عشق، محبت، وصال و...پرداخته است و در نگرش عاشقانهٔ خود، تزکیهٔ نفس و اعراض از دنیا را اساس سیر به سوی کمال و وصل به حق میداند. فضایی که بر غزلیاتش حاکم است،حاکی از حضور عشقی زمینی در اندیشه و شعر شاعر است که با عنصر خیال و عاطفه و احساس نمود پیدا کرده است. اشعار جوزا، نشان از تسلط و اشراف او به علوم مختلف خصوصاً فرهنگ اسلامی، نجوم، مباحث تاریخی و اساطیری و...است.

اشعار جوزا از نظر موسیقی درونی و معنوی نیز تشخص خاصی دارد. بیشترین وزن استفاده شده در غزلیات او، همان اوزان دلخواه حافظ است، بیشتر قوافی در اشعار وی، اسمی و ساده است و درصد کمی از آنها فعلی است. همچنین بسامد ردیفهای فعلی بیشتر است و به همین دلیل جایگاه موسیقایی والایی یافته است.

در بخش آوایی، جناس و تکرار پربسامدترین آرایهٔ ادبی در حوزهٔ بدیع لفظی در اشعار جوزا هستند و لغات و ترکیبات اشعارش نیز همان ترکیبات کلیدی دیوان اشعار حافظ است،نظیر: پیر مغان، رند و..

در سطح ادبی، شاعر در حد اعتدال از صنایع ادبی بهره برده است. از نظر سبک ادبی، وفور تشبیه(خصوصاً تشبیه حسی به حسی) و ترکیبات اضافی و وصفی در این اثر چشمگیر است. همچنین انواع ایهام نیز در حوزهٔ بدیع معنوی بسامد بیشتری دارند.وی در همهٔ غزلها تخلص خود«جوزا» را ذکر میکند.

منابع

-**آشنایی با عروض و قافیه**(۱۳۸۲) شمیسا، سیروس ، چاپ چهارم، تهران: میترا

- **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**(۱۳۸۰) شفیعی کدکنی، محمدرضا ، تهران، سخن

-**بازگشت ادبی**(۱۳۸۱) دادبه، اصغر؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: انتشارات مرکز دایره المعارف؛ صص ۱۵۵-۱۶۲

- **بدیع از دیدگاه زیباشناسی** (۱۳۷۹) وحیدیان کامیار، تقی ، تهران، نشر دوستان

-**بیان**، (۱۳۸۶) شمیسا، سیروس ، چاپ دوم، تهران: میترا

-- **سبک‌شناسی شعر**، (۱۳۸۸) شمیسا، سیروس ، چاپ چهارم، تهران: میترا

- **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها**، (۱۳۹۱) فتوحی، محمود ؛چاپ اول، تهران: سخن

-**سفر در مه**،(۱۳۸۱) پورنامداریان، تقی، تهران، انتشارات نگاه.

www.SID.ir

Archive of SID

-**سیر غزل در شعر فارسی**، (۱۳۶۲) شمیسا، سیروس ، تهران: فردوس
- **شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب**(۱۳۴۷) زرین‌کوب، عبدالحسین، تهران، جاوید
-**صور خیال در شعر فارسی**(۱۳۷۲) شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران، آگاه.
-**موسیقی شعر** (۱۳۷۶) شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ پنجم، تهران: آگه
-**مطلع الانوار**(۱۲۸۷: بی‌تا) جوزای نطنزی، ابوتراب بن الحسن. نسخه خطی شمارهٔ ۲۳۱۱ کتابخانه ملی.
- **نگاهی تازه به بدیع**، (۱۳۸۳) شمیسا، سیروس، چاپ سوم، تهران: میترا

www.SID.ir